

## هنگامه ها در رفع نقیصه ها

### دوازدهمین هنگامه

امیرفیض حقوقدان

## در آوردی از پیام شهريار ایران بمناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت ایران

در چهارم مرداد سال ۱۳۶۱ بمناسبت هفتادوششمین سالروز انقلاب مشروطیت ایران، شهريار ایران خطاب به ایرانیان پیامی با آغاز هم میهنان گرامی فرستادند پیام مزبور که جنبه تجلیل از انقلاب مشروطیت و دستاورهای آنرا دارد باتفاق به استقبال آن میرویم

### در آوردی از پیام شهريار ایران

پیام شهريار ایران که در سنجر ۲۷ مرداد سال ۱۳۶۱ ثبت است برخوردار از سه بارزه مهم و منطقی میباشد.

یکم آنکه - رژیم حاکم برون ما، رژیمی غاصب و وابسته به بیگانه است.

دوم آنکه - حقانیت قانون اساسی مشروطه ایران و کاربرد آن، یگانه اسباب رهائی و تامین آزادیهای سیاسی و اقتصادی است.

سوم - تاکید قاطع بر اینکه مشروطیت ایران کلید نجات وطن است.

برسه حقیقت بالا، آثاری مترتب است که نمائی از آنها در آورد، این تحریر از سخنان شهريار ایران است.

(در سنجر مورد اشاره، هر سه بارزه در پیام شهريار ایران مورد بحث و نقد حقوقی و آثار آن در فلسفه مبارزه مشروح شده است، که انتقال همه آنها ضرور نیست و میتوان با اشاره به جملاتی از آن تحریر مفصل، مقصود را یافت)

### رژیم غاصب

غصب به معنای تجاوز به حق است و حق در بیانات شهريار ایران به مفهوم حقوق سلطنت و حقوق ملت و در مجموع رژیم سلطنتی ایران میباشد.

حکم عدالت، بر عمل غاصب، ساقط کردن ید غاصبانه و آزاد ساختن حق مغضوبه است .....

شرط تحقق غصب، وجود حق شناخته شده است .....

بر غصب هیچگونه آثاری متوجه نیست. غصب نوعی زور است که گاه با حیل و زمانه با قهر مستولی میشود .....

رژیم حاکم بر کشور ما که بنایش بر حیل و زور است، غاصب است، غاصب حقوق ملت، غاصب حقوق سلطنت و غاصب حق حکومت است ....

غصب به مجرد زائل شدن قدرت غاصبیتش، از تسلط زوری بر حق مغضوبه جدا میشود و فرومی افتد و حق آزاد شده، در مسیر حقیقی و صفای اولیه خود قرار میگیرد .....

رژیم خمینی و شناسائی آن بعنوان رژیم غاصب، نیز چنین است و همه آثار غصب رابخود دارد یعنی با فروپاشی این رژیم، عمل تجاوز به حقوق ملت <حاکمیت ملت> بحقوق سلطنت <اصل معنویت سلطنت> و بحق حکومت <اصل اقتدار دولت> پایان مییابد و کل این حقوق و تبعات آن که در اسارت غصب است آزاد شده و در جریان اجرائی خود یعنی در وضعی که قبل از شورش ملاها و استیلای ید غاصبانه بوده اند قرار میگیرند ....

بنابراین؛ آثار متقن شناسائی جمهوری اسلامی بعنوان رژیم غاصب و وابسته به بیگانه، مغایر است با افکار تعیین رژیم کشوری از سقوط رژیم غاصب جمهوری اسلامی ...

شهریار ایران در بیانات خود، باتاکید بر حرمتداری قانون اساسی مشروطه و غاصبیت رژیم حاکم، نشانی قاطع و روشن از استواری حق حاکمیت ملت، حق سلطنت، و حقانیت قانون اساسی مشروطه ارائه فرمودند و همین اشارات کافی است که شعاری برای مبارزه همه میهن پرستان ایران باشد.

## شهریارا

سلطنت حق است و حق کرمی است، که حق را مدعی است، که مدعی را با حق سرب جنگ است، که جنگ را نیاز به فرمانده است، که قانون اساسی مشروطه را بنامی این مثل است، که تکلیف به قانون اساسی مشروطه تنها راه نجات ایران است، که ایران در مانده و افتاده است، که ملت بی پناه و اسیر است، که کوشش برای نجات وطن تکلیف عام است، که شهریار ایران جزء و کل این تکلیف است که این تکلیف را کس بجا نارد، اگر شهریار ایران در کنار است.

نیست میسر که کند صد سپاه

کآنچه کندیک تن تنهای شاه

## دوم حقانیت قانون اساسی

بزرگداشت انقلاب مشروطیت بدون تائید و احترام به قانون اساسی مشروطه یک خدعه است.

انقلاب وسیله ای است برای نیل به هدفی مترقی و متکامل .....

انقلاب تجلی اراده ملت است برای گریز از رقت و دستیابی به رفعت .....

آن چیزی که در انقلاب مقدس است هدف انقلاب است نه خود انقلاب. انقلاب حرکت است، خون و خشونت است و پیر بدیهای دیگر.

انقلاب [مشروطه] خواستهای ملت را در چارچوب متنی پیاده میسازد که نامش قانون اساسی است. پس از وضع قانون اساسی، تقدس انقلاب یکسره به قانون اساسی منتقل میشود. ( متن قانون اساسی در عمر مشروطیت با سنت هائی همراه میشود که تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت نامیده میشود)

بنابراین، عقل، مقتضی میدارد که نمیتوان انقلاب مشروطیت را محترم و آنرا انقلابی بحق و ستایشگرانه شناخت ولی قانون اساسی مشروطه که حاصل انقلاب و بهای خون های ایثارشده مردم وطن ماست نادیده گرفت. نمیشود گفت و نوشت که؛

«از وظایف نهضت مقاومت ملی است که جشن سالروز اعلام مشروطیت ایران را باشکوهی هرچه تمامتر برگزار نماید امروز بیش از هر زمان دیگریه پیروزی آرمانهای پرچمداران انقلاب مشروطیت و نویسندگان قانون اساسی یعنی پیروزی ملت برامت، و آزادی بربردگی اطمینان داریم < ( نهضت مقاومت شاپوربختیار)

و بعد رهبر همان جماعت بگوید < من قانون اساسی منهای مواد سلطنت را قبول دارم>

حکم منطقی عقلانی است که نمیتوان قانون اساسی را شقه شقه کرد و اصول مربوط به اصل حاکمیت را قبول داشت و اصول مختص به سلطنت را قبول نداشت ..... نمیتوان پای علم مشروطیت سینه زد ولی قانون اساسی آنرا قبول نداشت.

آنها که قانون اساسی مشروطیت را منهای سلطنت قبول دارند و آنها که رژیم سلطنتی ایران را پایان یافته میدانند و کسانی که تعیین نوع رژیم کشور را به همه پرسی موکول میکنند، تجلیلشان از انقلاب مشروطیت فرمایشی است.

بدانیم که اگر انقلاب مشروطیت حق بوده است، قانون اساسی و متمم آن نیز حق است، و سلطنت هم حق است، و ملت را هم رفاه و شکوه حق است و کشور را امنیت و وحدت حق است و این حقوق جزباتجلی نظام پادشاهی، همه ناحق است.

بدانیم که سلطنت، تابشگاه مردمی است که با ایران زاده شده و با عشق و ایمان و خرد ایرانیان درآمخته، و معجون میهن پرستی و شاهدوستی را سرکشیده و تاروپود وجودش سرشار از حُب و وطن و مهر به شاهنشاهی است .....

### مشروطیت کلید نجات ایران است

قانون اساسی مشروطه برای اداره کشور و ایجاد ثبات و وحدت و تامین آزادیها تدوین شده است، نسخه کشورداری است نسخه رهبری است، نسخه ایفای رسالت پادشاهی است، نسخه تشکیل دولت است، نسخه رهبری شاه بر نیروهای مسلح است، نسخه فرماندهی شاه برای قیام ملت و نجات کشور است، منشاء مشروعیت این نسخه سنت کهن سلطنت و سنت مشروطیت و قانون اساسی است و همین هاست که کلید نجات ایران را تشکیل میدهد.

با تفکر و ملاحظه تاریخ میتوان دید و خواند که روی کلید نجات ایران این حقیقت بزرگ حک شده است.

*((ملت ایران جز با چراغ سلطنت با نور دیکری حرکت نمیکند و جز با نکهبانی و حضور شاه، به طوفانی قدم نمیکند و جز فرمان شاه، بر فرمانی تکمیل نمیکند))*

\*\*\*\*

در پایان آن تحریر صحبتی با فرزندان ایران آمده که تصور میکنم یک یادگاه اعتقادی قابل توصیف باشد به بخشی از آن رجوع میکنیم.

### **فرزندان هوشمند ایران؛**

راه ایران راه پادشاهی است. در این راه عظیم و راست تاریخی، در این زمینه های مفروش از غرور و افتخار، و در این مسیر روشن و نجات بخش گام نهید، با اطمینان و دلیری قدم بگذارید، با شدت و جدت، دشمنان را بکوبید که شرافت ملی تو جز این فرمانی ندارد که تو، بران سخت کوش باشی.

در این روزهای غمباران، انتظار مرگبار ملت پریشان، ضجه کودکان و زنان و اسیران، نعره بی امان جلادان و خونریزان، خیانت مشتی مصدق نادان، فریادی جزاین ندارد که باید با اعتقاد و ایمان مسلح بود، اعتقادی استوار که از ایمان نیرو گرفته و باتهور و مردانگی آب دیده گردد.

هر ایرانی پاک نهادی میداند که جنگ، جنگ اعتقادی است، جنگ محکوم کردن اعتقاد حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی ایران و غالب ساختن حقانیت قانون اساسی و رژیم پادشاهی مشروطه است، جنگ خرد کردن جمهوری اسلامی و افکار جمهوریخواهی است.

ای فرزندان ایران، بانیر و گرفتن از اندیشه و خرد، بابررسی تاریخ، به این حقیقت رهنمون شوید که قانون اساسی و تداوم اجرائی آن، یگانه تابشگاه فلسفه رستگاری ملت ایران توست. با سوسه های کوچک و بزرگ، بیگانه شوید. با آن ایمانی که ۲۵ قرن سرفرازانه بر دلها حکومت جاودانه داشته، مردانه پیمان بگذارید. به نیروی رخشانی که موجب درخشانی وحدت و استقلال و آفریننده امنیت و شکوه است به پیوندید.....

مسیر ایران فردا و راه رهانی و طنت را از خس و خاشاک ها پاک و منزه ساز و یقین کن که ایران وقتی جاوید است که ایران، ایران پادشاهی است، فلسفه رستگاری آن قانون اساسی است و اکنون راه نجات ایران بازگشت پادشاهی است.

پایان دوازدهمین هنگامه به امید ادامه آن